



برزین، مسعود: فرهنگ اصطلاحات
روزنامه‌نگاری فارسی، تهران، بهجت،
۱۳۶۶، وزیری ۱۶۷ ص

فرهنگ از نظر تان می‌گذرد، گرفته شده از آن
مجموعه است.»

فرهنگ‌نویسی کاری است شاق، وقت‌گیر،
پرحوصله و در عین حال کم‌درآمد که بدون
امکانات مادی و معنوی سازمانهای دولتی
انجام دادن و به پایان رساندن آن کاری است
در حد ایثار و از خودگذشتگی و چنان‌که از
محتوای این کتاب برمی‌آید آقای برزین تقریباً
موفق بوده و آنچه کمبود دارد به دلایلی است
که در زیر گفته می‌شود:

چنانکه کم‌وبیش هر پژوهنده اطلاع دارد
متأسفانه بنا بر یک شیوه سنتی، و بدون سامان
در هر گوشه ایران محققانی یافت می‌شوند که
سالهاست بر یک موضوع واحد و بدون آگاهی از
یکدیگر کار می‌کنند و بدبختانه سازمان فراگیر
و جامعی نیست که این دانه‌های تسبیح را به یک
نخزند و در دسترس علاقمندان آن بگذارد
(هم‌اکنون تا اندازه‌ای این وظیفه را سازمان
اسناد و مدارک علمی انجام می‌دهد و گویا پس
از گذشت سالها هنوز علت وجودی آن سازمان
به عنوان یک بانک اطلاعات در نزد سازمانها و
پژوهشگران جا نیفتاده است.)

نگارنده با توجه به پژوهشی که بر روی
تاریخچه مطبوعات یزد انجام می‌دهد، بخت یار
شده و توانسته با پیران وادی مطبوعات نشست و
برخاستی داشته باشد.

استاد مسعود برزین چنان‌که در مقدمه همین
کتاب مورد شناسایی نیز آمده است، فرهنگی
جامع شامل چندین هزار فیش از مطبوعات ایران
از آغاز تاکنون دارد، سالهاست یادداشت‌های
تکمیلی روانشاد صدر هاشمی در باره مطبوعات
ایران تا ۱۳۲۰ و بخشهای چاپ‌نشده کار وی در
زمینه مطبوعات ایران تا زمان حیاتش (۱۳۴۴)
در بایگانی دانشگاه اصفهان خاک می‌خورد،
عبدالحمید شعاعی از مطبوعاتچی‌های با سابقه
مشهد و سردبیر نشریات آفتاب شرق،
آتش شرق، اطلس، در راه زندگی و میر،
مجموعه‌ای ۱۶ جلدی همراه با کتابشناسی
مطبوعات ایران آماده چاپ دارد، دکتر محمد
اسماعیل رضوانی، دکتر حسین ابوترابیان،
جعفر جامی‌زاده، گوئل کهن، محمدتقی‌پور
احمد جکتاجی، صمد سرداری‌نیا، اسماعیل
رزم‌آسا و چندین نفر دیگر نیز بر همین
گونه‌اند.

و این گونه می‌شود فرهنگی که می‌بایست زیر
پوشش یکی از سازمانهای وابسته به کار
مطبوعات در ایران و با کوشش استادان این فن

برای فرهنگ تعاریف گوناگونی برشمرده‌اند
که یکی از آنها این است:

«فرهنگ به کتابهایی گفته می‌شود که
مجموعه‌ای از واژه‌ها، اصطلاحات یک یا چند
زبان و یا یک موضوع همراه با شرح آن را در بر
داشته باشد.»

گردآوری و تدوین فرهنگهای گوناگون بویژه
فرهنگهای تخصصی یکی از ابزارهای رشد
جوامع کنونی جهان به‌شمار می‌رود و در
بایستگی تدوین آن جای تردیدی نیست،
روزبه‌روز بر پیشرفت دانشهای بشری افزوده و
رشته‌ها تخصصی‌تر می‌شود. زمانی بود که یک
حکیم برای همه دردی نسخه‌ای می‌پیچید،
امروزه دکتر متخصص شبکیه چشم داریم.

فرهنگ‌نویسی تخصصی در ایران از
پیشینه‌ای درخور توجه برخوردار است و اهل فن
نیز بنا به مقتضای زمان و شغل خود به
گردآوری فرهنگهایی در رشته‌های مرسوم زمان
خود دست یازیده‌اند، که عموماً شامل
فرهنگهای: اصطلاحات صوفیه، ادبی (هم‌چون
مصطلحات‌الشعرا، فرهنگ لغات بوستان و
گلستان، زواهراللفه، فرهنگ شاهنامه)، پزشکی
(هم‌چون بحرالجواهر، آتشکده، فرهنگ نصیریه)
و غیره (هم‌چون جاماسب‌نامه در هیئت و نجوم و
فرهنگ جغرافیایی ایران از معتمدالدوله)
می‌شود. (۱)

تدوین فرهنگ به شیوه علمی و آکادمیک آن
در ایران عمر چندانی ندارد و تقریباً از سال
۱۳۰۶ با چاپ فرهنگ روستایی نوشته
دکتر محمدتقی بهرامی آغاز می‌شود (۲)

اما نخستین کتاب در زمینه فرهنگ
اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی که سالها بود
کمبود آن بویژه برای دانشجویان رشته
روزنامه‌نگاری و علاقمندان به این فن احساس
می‌شد، به کوشش مسعود برزین از
روزنامه‌نگاران با سابقه ایران در سال ۱۳۶۶
زینت‌بخش بازار کتاب می‌گردد؟! در پیشگفتار
کتاب می‌خوانیم:

«از حدود سال ۱۳۲۲ به فکر ایجاد یک
آرشیو مطبوعات افتادم و به تهیه فیش پرداختم
که نتیجه آن در طول چهاردهه، داشتن آرشیوی
است با حدود هشت‌هزار فیش و آنچه در این

نگاهی به

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری

به صورت گروهی، سامان یافته و با تیراژ بسیار چاپ شود به دست یکی از این دلسوزان فن مطبوعات به زیر چاپ می‌رود. نگاهی به لغت‌نامه دهخدا، لغت‌نامه فارسی، فرهنگ روانشناسی کار براهنی و دیگران، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف تشیع و چند نمونه دیگر گواه برتری کار گروهی بر کارتنکی است، بی‌گمان آقای برزین نیز در این مورد با من هم‌عقیده است.

در زمینه ارزش کار برزین کمتر کسی است که بتواند منکر دقت، وسواس و پشتکار آن مرد فروتن شود گستردگی و تنوع مباحث مطروحه در این کتاب، حفظ برخی واژه‌ها، تداخل مسایل تاریخی و فرهنگی مطبوعات در متن، دادن آمار و اطلاعات تاریخی مستند و گویا در خلال شرح واژه‌ها و اصطلاحات، ارجاعات سودمند ذیل واژه‌های همانند، زیر نویسی واژه‌های بیگانه، چاپ طرح‌های گویا در کنار شرح واژه‌ها و نیز افزودن واژه‌نامه لغات غیر فارسی متداول در روزنامه‌نگاری فارسی، همه از مزایای این کتاب بدیع و تازه است و با شناختی که نگارنده از گردآورنده ارجمند کتاب دارد می‌تواند امیدوار باشد در چاپ‌های بعدی کتاب را از این غنی‌تر و پربرتر ببیند.

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری چنانکه در پیشگفتار نیز اشاره شده دارای هفتصد مدخل است، که نویسنده با سالها پژوهش و بررسی و کار از نزدیک در روزنامه‌ها و چاپخانه‌ها به دست آورده است و اگر حتی آن طور که برزین آورده، تنها در برگیرنده اصطلاحات روزنامه‌نگاری و نه چاپ است (به غیر از برخی استثناها)، روزنامه‌نگاران و تاریخ‌نویسان مطبوعات می‌توانند به پیروی از گفته گردآورنده: «مولف این فرهنگ را تصور اینک بدون عیب و نقص است عرضه نمی‌دارم بلکه به عنوان پیش‌نویسی تا در آینده بزرگ‌ترها و دانشمندان به رفع ایراداتش پردازند» آن را به بیش از دو هزار واژه یا مدخل رسانده و بر غنائیش بیفزایند. در زیر واژه‌ها و اصطلاحاتی به‌گونه نمونه آورده می‌شود: آزادی مطبوعات، اجازه چاپ، اداره کل مطبوعات، اسم مستعار، امضا محفوظ، اوراق حناله، بند، پاراگراف‌بندی، پانویس، تحلیل، تیتیر خبری، تیتیر تبلیغی، حقوق روزنامه‌نگار، خبرساز، خبرهای کوتاه، خلاصه خبر، خودسانسوری، دیدگاه، روزنامه رسمی، رنگین‌نامه، زیرآبی، ژورنالیست، ژورنالیستی (نوع برخورد با مسایل روز)، ژورنالیسم، سرهم‌بندی، سؤال پیچ، سوق‌الجیشی، شانناژ، شعار، صفحه خوانندگان، صفحه سفید (کار روزنامه‌نگاران بر علیه جریان سانسور)، کارتل‌های خبری کاغذ، اخبار کامپیوست، کلمه به کلمه مدیر مسئول، مطبوعات زیر زمینی، مطبوعات مخفی، نمونه خوانی، ننگین‌نامه، وارونه جلوه دادن، وزین، ویرایش و...

چند نکته کوچک (که انشالله حمل بر خرده‌گیری نشود) به نظر نگارنده رسیده است

و مناسب می‌دانم با یاد آوری آن گامی در جهت غنا بخشیدن به کتاب بردارم:

۱- آوانگاری واژه‌ها چنانکه امروز این شیوه پسندیده به دلیل آسان و درست خوانی و چند دلیل دیگر بایسته هرفرهنگی است که اکنون به زیر چاپ می‌رود.

۲- بنا بر نوشته دکتر حمید مولانا در کتاب سیر ارتباطات اجتماعی ص ۱۸۴، اعتصاب کارگران چاپخانه در خرداد ۱۲۹۹ بوده نه چنانکه در صفحه ۲۰ فرهنگ ۱۲۸۹ آمده است. (۴)

۳- صفحه ۲۲ ذیل انطباعات بایست افزود: در وزارت معارف نیز اداره انطباعات وجود داشت که بعدها اداره نگارش شد (پلیس خفیه ایران ص ۲۰۹-۲۱۰) (۵)

۴- صفحه ۸۹ ذیل سانسور یکی از دوره‌های شدید سانسور مطبوعات سال ۱۳۰۷ ش بود.

۵- صفحه ۸۰ ذیل سانسورچی- چی‌صفت یا پسوند ترکی است نه فارسی (فرهنگ معین ۱۳۲۶: ۱) (۶)

۶- صفحه ۱۴۸، اداره نگارش- یکی از ادارات مهم شهربانی بود و دارای سه شعبه بود، شعبه سوم جراید کشور را زیر نظر داشت (پلیس خفیه ایران ص ۲۰۹-۲۱۰) (۷)

۷- چنان که در صفحه ۴۰ و ۸۴ خبرگزاری تاس و رویتر آمده خوب بود آسوشیتدپرس، جمهوری اسلامی (ایرنا)، فرانس‌پرس و چند خبرگزاری مهم دیگر نیز مدخلی می‌داشتند.

۹- یکنواختی در کار ارجاعات به چشم نمی‌خورد هم چون: ا.ف.پ که ارجاع و مدخلی به نام فرانس‌پرس ندارد و لسی در مورد آسوشیتدپرس چنین ترتیب رعایت شده است.

۱۰- برخی واژه‌ها در جایگاه درست خود بکار نرفته‌اند، هم چون: خبر داغ، خبر جنجالی، خبر کهنه، تلگراف (ذیل- تلگراف که دور از ذهن است آمده است)، لی‌آت (با آنکه ذیل آرایش صفحه آمده خوب بود در جای خود نیز می‌آمد، چنان که این ترتیب در مورد واژه‌های بیگانه هم چون میزانی‌پاز منظور شده است).

۱۱- واژه‌های «پنج»، «پرگراف» اکنون به صورت «پانچ» و «پارگراف» در نوشته‌ها می‌آید.

۱۲- برخی واژه‌ها معانی عام‌تر و رساتر و روان‌تری نیز دارند. هم چون «تاکن» که علاوه بر شرح آمده به افرادی نیز که کارشان تا کردن روزنامه است گویند و حتی اکنون نیز مطبوعات شهرستانها را افرادی «تا» می‌زنند- یا آرشیو که به بایگانی نشریات نیز اطلاق می‌شود- هم چنین است روزنامه‌خوان که به خوانندگان روزنامه نیز گویند- یا دو هفته نامه که آن را دو هفتگی نیز گویند.

۱۳- با آنکه در پیشگفتار آمده فقط به واژه‌ها و اصطلاحاتی بسنده شده که یک خبرنگار یا نویسنده باید با آن آشنایی داشته باشد، نه اصطلاحات و عنوانهای صنعت چاپ و چاپخانه، به واژه‌های بسیار برمی‌خوریم که این سخن را

نفی می‌کند. هم چون: آچار کلید، چفت، ارس، بابوشکه، بوبین، پایه، پرس، پرفراز، تخته‌کوب، شاسی، چتک، دوخط و دهها واژه دیگر و حتی برخی واژه‌ها که صرفاً مربوط به صفت صحافی است مثل ساغری، مشته و...

۱۴- رسم‌الخط یکنواخت و مرسوم امروز رعایت نشده است، چه در مورد واژه‌های عربی هم چون: دائر، زائد، جرائم، وسائل، مسائل، وظائف که امروز دیگر با کرسی «ی» می‌نویسند و چه واژه‌های فارسی که اصلاً همزه ندارد و در کتاب با همزه آمده هم چون: هوائی- صفحه‌آرایی، لائی- و نیز چند کلمه دیگر که اکنون در زبان فارسی بدون همزه بکار می‌رود: وکلاء، اقتضاء، اعضا، و...

۱۵- اگر حداقل ۵۰-۶۰ کتابی که در زمینه مطبوعات و روزنامه‌نگاری در ایران چاپ شده، توسط گردآورنده استخراج و فیش می‌شد، می‌توانستیم فرهنگی پرزاتر از این را ببینیم- چنان که در کتاب روزنامه‌نگاری تالیف دکتر معتمدنژاد چیزی بیش از ۳۰۰ واژه در همین زمینه کاری فرهنگ نامبرده وجود دارد که در کتاب برزین مدخلی ندارد. نمونه‌هایی چند می‌آورم: خبر محرمانه، کانون، خبر روز، زاویه، مونتاز، خبرخوان، پوشش خبری، آزادی مطبوعات، گرافیک، ستون‌نویس...

در چند مورد از فرهنگ معین و لغت‌نامه دهخدا و آیین روزنامه‌نگاری سودجسته است، ولی عمومیت ندارد.

۱۶- تاریخ مطبوعات مدخل خوب و بجایی می‌تواند باشد، چه از لحاظ بررسی کوتاه تاریخ مطبوعات ایران و چه از لحاظ معرفی چند کتاب در این زمینه هم چون: تاریخ جراید و مجلات ایران (صدر هاشمی)- تاریخ مطبوعات (ادوارد براون) تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (گوتل کهن) و...

پانویسها:

۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی جلد ۳: احمد منزوی، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۰.

۲- فهرست کتابهای چاپی فارسی جلد ۷: خانابا مشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.

۳- سمود برزین تلفات دیگری چون: سیری در مطبوعات ایران، مطبوعات ۵۳-۱۳۴۲، چگونه روابط عمومی کنیم و ترجمه‌های موفقی چون: سرگذشت من نوشته گاندی و غیره دارد که مجموع این کتابها به ۳۳ جلد می‌رسد (بنگرید: فرهنگ اصطلاحات... ص ۱۶۴-۱۶۳). هم چنین وی سالها در شرکت نفت ایران، انجمن فرهنگی ایران و هند و مدت زمانی نیز در دانشگاه تهران (امر تدریس) اشتغال داشته است.

۴- سیر ارتباطات اجتماعی: حمید مولانا، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸.

۵- پلیس خفیه ایران: مرتضی سیفی فی تفرشی، تهران: فنون، چاپ دوم ۱۳۳۸.

۶- فرهنگ فارسی: محمد معین، تهران: امیرکبیر چاپ هفتم ۱۳۶۴.

حسین مسرت کارمند کتابخانه وزیری بزه است.